




**Research Article**

**Vol 16, Issue 3, Autumn 2024, Ser 61, PP: 99-146**

**Title:** Raz Shirazi's *Asrar al-Velayeh*: A Religious and Mystical Epic

**Authors:** Reza Javan\*   
Katayoun Katibeh   
Samira Bakhtiyari Nasab 

**Abstract:** *Asrar al-Velayeh* is one of the works of Mirza Abulqasem Raz Shirazi, the Shia mystic of the 13th century AH. The present research, which is conducted with a descriptive-analytical method using library sources, refers to four manuscripts and one lithographic version of this book in order to introduce the poet, his intellectual foundation, and the stylistic features of the poem. Using difficult Arabic words and verbal and philosophical terms, using Arabic poems, using poems of other poets, being influenced by the style of Ferdowsi's *Shahnameh* in the narration of battles, the abundance of literary allusions to verses and hadiths, frequent Quranic elements and terms are the most important stylistic features of this mystical text. From a structural point of view, *Asrar al-Velayeh* consists of three parts: the middle part of the text is about the battles of Imam Ali and his honors and is considered a religious epic; but the beginning and the end of the text are clearly focused on deep mystical topics. The concept of "velayat" is what makes the structure of this work coherent and connects its three parts. At the beginning and the end of the work, Raz Shirazi deals with the internal concept of "vali" and in the middle with its external concept. In this way, by replacing the concept of superhuman or hero with the concept of vali, he gives two important features to *Asrar al-Velayeh*; first, he places this poem in the form of couplet (mansavi) with a coherent structure on the border between a religious epic and a mystical epic; second, by almost separating the mystical and epic topics from each other, he intelligently includes both the external and internal aspects of the concept of vali in the structure of the work and presents it to the audience.

**Key words:** Raz Shirazi, *Asrar al-Velayah*, religious epic, mystical epic, velayat

**Received:** 2023-08-25

**Accepted:** 2024-02-27

\* BA Graduated in Persian Language and Literature in Shiraz University, rezjavan88@gmail.com

DOI: 10.22099/JBA.2024.46832.4362



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.





منظومه‌ی اسرارالولایه‌ی راز شیرازی: حماسه‌ای دینی عرفانی

کتایون کتیبه\*\*

رضا جوان\*

سمیرا بختیاری نسب\*\*\*

چکیده

منظومه‌ی اسرارالولایه از آثار میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، عارف شیعی قرن سیزدهم هجری قمری، است. پژوهش حاضر که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با کمک منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به چهار نسخه‌ی خطی و یک نسخه‌ی چاپ‌سنگی انجام شده، به معرفی شاعر، شالوده‌ی اندیشگانی او و ویژگی‌های منظومه‌ی اسرارالولایه می‌پردازد. از نظر ساختاری، اسرارالولایه شامل سه بخش است. متن در بخش میانی با پرداختن به نبردهای حضرت علی (ع) و کرامت‌های ایشان در زمره‌ی حماسه‌ی دینی قلمداد می‌شود؛ اما در بخش ابتدایی و پایانی، آشکارا بر مباحث عمیق عرفانی متمرکز است. آنچه باعث انسجام ساختار این اثر و ارتباط سه بخش آن با یکدیگر می‌شود، مفهوم ولایت است. راز شیرازی در ابتدا و انتهای اثر به باطن ولیّ و در میانه‌ی آن به ظاهر او پرداخته است. بدین ترتیب او با جایگزین کردن مفهوم ابرنسان یا قهرمان با مفهوم ولیّ، دو ویژگی مهم به اسرارالولایه بخشیده است: ۱. این مثنوی را با ساختاری منسجم در مرز میان حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی قرار داده است؛ ۲. با جدا کردن (نسبی) مباحث عرفانی و حماسی از یکدیگر، هوشمندانه دو وجه ظاهر و باطن ولیّ را در ساختار اثر گنجانده است و به مخاطب عرضه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اسرارالولایه، حماسه‌ی دینی، حماسه‌ی عرفانی، راز شیرازی، ولایت.

\* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز rezjavan88@gmail.com (نویسنده مسئول)

\*\* دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس katayoon.katibeh@yahoo.com

\*\*\* دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز bakhtiari.smr@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۶/۱۰

DOI: 10.22099/JBA.2024.46832.4362

شاپا الکترونیکی: ۷۷۵۱-۲۹۸۰

شاپا چاپی: ۸۱۸۳-۲۰۰۸



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



Received: 2023-08-25

Accepted: 2024-02-27

## ۱. مقدمه

ادبیات فارسی بازتاب روشنی از فرهنگ، تاریخ و اندیشه‌های ایرانی است. پایه و مایه‌ی این ادبیات، متون نظم و نثری است که شاعران و نویسندگان ایرانی طی بیش از هزارسالی که از عمر آن سپری شده است، به وجود آورده‌اند. در این میان اندیشه‌ها و اعتقادات دینی از گذشته‌های دور یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های سرودن شعر نزد شاعران ایرانی بوده است. این اندیشه‌ها در طول تاریخ ادب فارسی موجب پدیدار شدن منظومه‌های دینی فراوانی چه در قالب بیان کشف و کرامات عرفانی و چه در قالب حماسه‌های دینی شده است. موضوع بسیاری از این منظومه‌ها پیرامون محور شخصیت و زندگی یک یا چند تن از بزرگان دین شکل گرفته است که در این میان می‌توان به منظومه‌هایی در باب زندگی و شخصیت پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و حضرت حمزه (ع) همچون *علی‌نامه* اثر ربیع، *خاوران‌نامه* اثر ابن حسام خوسفی، *شاهنامه‌ی حیرتی* از ملاحیرتی تونی و *خداوندنامه*، اثر فتحعلی‌خان صبا، اشاره کرد. در میان این منظومه‌های دینی، زندگانی امام علی (ع) و ابعاد گوناگون شخصیت ایشان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد؛ از طرفی حیات سرشار از رشادت و سلحشوری و جنگ‌های متعدد ایشان دستمایه‌ی مناسبی برای سرایش منظومه‌های حماسی و از طرفی دیگر حالات و مقامات عالی معنوی و کشف و کرامات ایشان سرچشمه‌ای جوشان برای خلق منظومه‌های عرفانی بوده است. یکی از کسانی که به سرودن مثنوی در منقبت امام علی (ع) پرداخته، راز شیرازی بوده است.

## ۱.۱. راز شیرازی

میرزا ابوالقاسم حسینی شریفی ذهبی، معروف به «میرزا بابا» و متخلص به «راز»، حکیم و عارف برجسته‌ی قرن سیزدهم و سی و پنجمین قطب سلسله‌ی ذهبیه، است. وی در سال ۱۲۱۵ ه. ق. در شیراز متولد شد. پدر او، میرزا عبدالنبی، سی و چهارمین قطب سلسله‌ی ذهبیه و مادرش، فاطمه، دختر آقامحمد هاشم شیرازی است. آقامحمد هاشم نیز سی و سومین قطب همین سلسله بوده است.

میرزا بابا بیست سال از عمر خود را در شیراز به تحصیل علوم مختلف گذراند و پس از آن به سیروسلوک و علوم باطنی رو آورد، چنان که خود می‌گوید: «بیست سال پس از فنون و علوم و رسوم به جذب‌ی الهی... و سی سال دیگر بعد از آن تا حال که عمرم به هفتاد رسیده است... سلوک کرده‌ام...» (راز شیرازی، ۱۳۸۳: مقدمه ۱۶). او تمام دوران تحصیلات و ریاضت سلوکی خود را در شیراز گذرانده است. از استادان میرزا ابوالقاسم می‌توان به حاج محمدحسن قزوینی، مجتهد در فقه و تفسیر و اصول، مولانا احمد یزدی در حکمت و فلسفه و ملاعلی نوری اصفهانی در حکمت متعالیه‌ی صدرایی اشاره کرد.

راز شیرازی چنان‌که خود می‌گوید از کودکی اشتیاق بسیاری به علوم باطنی و عرفانی داشته است. از استادان او در سلوک و عرفان که همگی از مشایخ و بزرگان سلسله‌ی ذهبیه به شمار می‌روند، می‌توان به ملاعلی سمنانی ملقب به انوار، میرابراهیم خوش‌نویس، میرابوالخیر، میرزا ابوالقاسم، میرمحمد مسیح و آقامحمد درویش کازرونی اشاره کرد. در نهایت راز شیرازی به شاگردی پدر خویش، میرزا عبدالنبی، می‌رسد و به راهنمایی او مراحل سیروسلوک و ریاضت

را طی می‌کند و بدین ترتیب پدرش، استاد و پیر اصلی وی می‌شود، چنان‌که در کتاب *قوائم‌الأنوار و طوابع‌الأسرار* از پدر چنین یاد می‌کند: «اما کرامات جناب سلطان‌الاولیاء، پدر شریعت و پیر طریقت این فقیر، میرزا عبدالنّبیا والد ماجد خود...» (۱۳۸۳: ۷۳۸). او در طول حیات خود شاگردان زیادی از شیراز و شهرهای دیگر تربیت کرده که نام بیست و هشت نفر از آنان در مقدمه‌ی کتاب *کوثرنامه* آمده است و از آن جمله می‌توان به میرزاعبدالکریم رایض‌الدّین زنجانی، حسام‌العلماء شیخ محمدحسن رشتی دانش، محمدعلی معمارالفقراء و آقامیرزا سیدرضی اشاره کرد (رک. همان).

راز شیرازی در زمان زندگانی خود دوران حکومت فتحعلی‌شاه قاجار، محمدشاه و ناصرالدّین‌شاه قاجار را درک کرده؛ اما با آن‌ها و دیگر اهل قدرت ارتباطی نداشته و تنها منصب او تولیت بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت شاهچراغ (ع) بوده است. وی در اوایل سال ۱۲۸۶ ه.ق. در راه بازگشت از سفر مشهد به شیراز بر اثر ابتلا به بیماری وبا در مورچه‌خورت اصفهان فوت می‌کند. پیکرش را به مشهد انتقال می‌دهند و در یکی از رواق‌های آستان قدس رضوی به خاک می‌سپارند (همان: ۲۹).

از میرزابابا پنجاه‌ودو اثر باقی مانده که از آن‌ها دوازده اثر به نثر فارسی همچون رساله‌های *مسالك*، *مرصادالعباد* و تفسیر *آیات‌الولایه*، بیست‌وپنج اثر به نثر عربی چون رساله‌های *قنوتیه*، *فقریه* و *منامیه* و هشت اثر در قالب نظم فارسی همچون *مرآت‌العارفین*، *مناسک‌العاشقین* و *مشارب‌العارفین* و *دیوان اشعار* (کوثرنامه) است.

یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های عرفانی آثار او، «ولایت»<sup>۱</sup> است. راز شیرازی در تمام آثارش در تحلیل و تفسیر خویش از ولایت مطلقه، هم از آیات الهی و هم از احادیث معصومین (ع) مدد می‌گیرد و این دو منبع را به‌وسیله‌ی گزاره‌های عقلانی تبیین می‌کند. ساختار منظوم و محدودیت‌های شعری مانع او از آوردن آیات و روایات نمی‌شود. راز در بسیاری از موارد، نخست متن کامل آیه و روایت را به‌صورت عنوان می‌آورد و سپس سخن منظوم خویش را آغاز می‌کند.

وی در تمام حیات فکری و روحانی خویش اغلب، ولایت کلّیه‌ی الهیه را با دیدگاهی عقلی و نقلی شرح می‌کند و پس از شناساندن ولایت، ضمن بیان ارتباط آن با عالم تکوین و تشریح، به بیان این اعتقاد خود می‌پردازد که اهل ایمان بر اساس میزان مرابطه (ارتباط قلبی سالک با صاحب ولایت)، صاحب کمالات و مراتب عالی‌های انسانی می‌شوند و به برکت آن از صورت حیوانی به حقیقت انسانی بدل می‌شوند (رک. نیری، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

## ۱.۲. پیشینه‌ی پژوهش

خاوری (۱۳۹۸)، در کتاب *ذهبیه تصوف علمی - آثار ادبی*، به معرفی اجمالی این اثر در یک صفحه پرداخته است. او در این کتاب تاریخ سرایش اثر، خلاصه‌ای از حوادث منظومه، تعداد ابیات، دو بیت اول و دو بیت آخر آن را آورده است. در این کتاب تعداد ابیات منظومه به اشتباه نزدیک به ده‌هزار بیت ذکر شده که با توجه به شمارشی که انجام گرفت، تعداد صحیح ابیات ۷۵۸۳ بیت است. همچنین خاوری در این کتاب، سال نگارش اثر را سال ۱۲۸۴ ه.ق ذکر کرده که با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ ه.ق زمان صحیح سرایش منظومه است.

فخر احمد (۱۳۷۳)، افزون بر مطالبی مشابه کتاب *ذهبیّه؛ تصوف علمی-آثار ادبی* به معرفی چهار نسخه از *اسرارالولایه* پرداخته؛ اما نام کاتب نسخه‌ی آستان قدس رضوی و کاتب نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک را به اشتباه ذکر کرده است. بردبار (۱۳۷۹)، نیز در پایان‌نامه‌ی خود به تبیین و شرح مبحث ولایت در تمام آثار راز شیرازی از جمله کتاب *اسرارالولایه* می‌پردازد و این مسئله را تفسیر می‌کند.

مصحّح و شارح کتاب *قوائم‌الأنوار و طوالع‌الأسرار* اثر راز شیرازی، محمودی (۱۳۸۳)، در بخش مقدمه به‌طور کامل زندگی‌نامه، نام استادان، شاگردان راز شیرازی و فهرستی از تمامی آثار او را آورده است. همچنین او در تصحیح، ترجمه و شرح رساله‌ی *زاد‌المسافرین (منهاج‌السالکین)* جنبه‌های دیگری از افکار و آثار راز را بازنموده است. در کتاب *تصحیح و شرح پنج رساله از ابوالقاسم شیرازی (متخلص به راز) از مرادی (۱۳۹۷)*، افکار و نظرات راز را در رساله‌های *مرآت‌العارفين، مناسک‌العاشقین، قنوتیه، مرصادالعباد و منامیه* نمایانده شده است.

رضامنش (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه‌ی دکتری خود با تکیه بر شرح *خطبه‌البیان* به تبیین نظریه‌ی ولایت از دیدگاه راز شیرازی از نظرگاه انسان کامل و توحید با تکیه بر رساله‌ی شرح *خطبه‌البیان* اثر راز شیرازی پرداخته است. رحمانی (۱۳۹۴)، نیز در پایان‌نامه‌ی خود به *دیوان کوثرنامه* پرداخته و نظرات عرفانی او را در غزلیاتش تحلیل و بررسی کرده است.

نیری در سه کتاب *امیر جان‌افروز (۱۳۸۶)*، *نرگس عاشقان (۱۳۹۵)* و *عروس حضرت قرآن (۱۴۰۰)* بنیاد فکری و عرفانی راز شیرازی را به‌ویژه در مسئله‌ی ولایت شرح و تبیین و از منظومه‌ی *اسرارالولایه* در حدّ اشاره به مضمون یاد کرده است.

در *فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران (فنخا)*، نسخه‌های کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه‌ی ملک و کتابخانه‌ی آستان حضرت شاهچراغ (ع) معرفی شده‌اند و در *فهرستواره‌ی دست‌نوشته‌های ایران (دنا)* علاوه بر اشاره‌ی بسیار کوتاهی به مضمون و نویسنده‌ی اثر و سه نسخه‌ی یادشده، نسخه‌ی آستان قدس رضوی نیز معرفی شده است. در کتاب *فهرست کتب خطّی کتابخانه‌ی خانقاه احمدی شیراز*، نسخه‌ای از *اسرارالولایه* (موجود در کتابخانه‌ی احمدی شیراز که در دیگر فهرست‌ها از آن یاد نشده) همراه مختصری از مضمون و بیت آغاز و انجام اثر معرفی شده است.

مرادی و نیری (۱۳۹۱)، نیز در مقاله‌ی «ولایت در نگاه راز شیرازی» مفصّل به دیدگاه راز شیرازی در مسئله‌ی ولایت پرداخته‌اند.

درباره‌ی حماسه‌های عرفانی افزون بر کتاب‌های انواع ادبی همچون *انواع ادبی از سیروس شمیسا (۱۳۹۴)*، مقالات فراوانی نیز نوشته شده است که برای نمونه می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد: *قبادی در مقاله‌ی خود (۱۳۸۱)*، حماسه‌ی عرفانی را به‌عنوان یکی از انواع ادبی معرفی و بن‌مایه‌ها و زمینه‌های مشترک بین حماسه و عرفان را در چند اثر به‌ویژه در *منطق‌الطیر عطار* نیشابوری بیان می‌کند. کی‌منش (۱۳۷۹)، ساختارها و درون‌مایه‌های مشترک آثار حماسی و عرفانی

منظومه‌ی «اسرارالولایه راز شیرازی: حماسه‌ای دینی عرفانی / رضا جوان» ۱۳۳  
را معرفی می‌کند. محمودی و ادبی فیروزجایی (۱۳۹۶)، با تمرکز بر درون‌مایه‌ی ستیز ناسازها به وجه دوگانه‌ی انسان کامل در حماسه‌های عرفانی به‌ویژه مثنوی معنوی پرداخته‌اند.

### ۱.۳. پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. ویژگی‌های محتوایی و ساختاری منظومه‌ی *اسرارالولایه* چیست؟ ۲. اختصاصات سبکی این منظومه چیست؟ ۳. نسخه‌های خطی و چاپ سنگی آن کدام است؟ ۴. نسبت منظومه‌ی *اسرارالولایه* با انواع ادبی حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی چیست؟

### ۲. *اسرارالولایه*

شاعر به سال سرایش منظومه‌ی *اسرارالولایه* در متن ابیات اشاره‌ای نکرده است؛ اما چنان‌که گفته شد، فوت او در مسیر بازگشت از سفر، در اوایل سال ۱۲۸۶ ه.ق اتفاق افتاده است. از سویی دیگر، شاعر در ضمن ابیات این کتاب به مکاشفه‌ای که در آن به زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) در مسیر شهر قم مشرف شده و ایشان او را مورد عنایت و لطف قرار می‌دهند، اشاره می‌کند:

زین سبب معصومه کردم سرفراز	در ره قم با هزاران عز و ناز
فاطمه ثانیّه بلقیس جهان	مفخر سادات قدوه‌ی انس و جان
آن رضیعه شاه دین مولی رضا	در کجاوه شد ره‌ی را رونما
گفت: این مرد آمده دربان نور	پاسبان نور بر اهل حضور

(نسخه‌ی خ: ابیات ۵۱۸۳ تا ۵۱۸۶)

با عنایت به اینکه این سفر مشهد، تنها سفر راز شیرازی در طول زندگی‌اش بوده، با این فرض که شاعر تا روزهای آخر در حال گذر از شهر قم و رسیدن به مورچه‌خورت، در حال سرودن ابیات این اثر بوده، تاریخ سرایش این منظومه احتمالاً در اواخر سال ۱۲۸۵ ه.ق یا حتی ابتدای ۱۲۸۶ ه.ق است. لازم است گفته شود که تاکنون منظومه‌ی *اسرارالولایه* تصحیح و چاپ نشده است.

ساختار اندیشه‌ی راز شیرازی در آثارش به‌ویژه منظومه‌ی *اسرارالولایه*، بر پایه‌ی سه اصل عقل، نقل و شهود است. این سه رکن مطابق اصول شریعتمدارانه‌ی سلسله‌ی ذهبیه در اعتدالی بین ظاهر دین و باطن آن است؛ به‌طوری‌که هیچ‌یک از وجوه طریقت یا شریعت قربانی وجه دیگر نمی‌شود؛ هرچند که اصالت با باطن است (رک. نیری، ۱۴۰۰: ۳۵۰)، نقطه‌ی ثقل و مرکز اساسی این مثلث فکری، «ولایت» است. ولایت در لغت به معنای نزدیک بودن، یاری کردن، محبت، تملک، تدبیر و تصرف آمده است و بنا به گفته‌ی راغب اصفهانی در *المفردات*، این واژه از «ولی» به معنای

نزدیکی (گاه در مکان، گاه دین، گاه صداقت، گاه نصرت و گاه اعتقاد) گرفته شده است، به گونه‌ای که میان آن دو چیز نزدیک چیزی نباشد (۱۳۸۷: ۵۴۷).

## ۲. ۱. نسخه‌های اسرارالولایه

با توجه به اینکه تاکنون این کتاب تصحیح و شرح نشده است، نخست نسخه‌هایی که از این رساله به دست آمده معرفی می‌شود. نسخه‌های موجود این اثر به ترتیب زمان کتابت عبارت‌اند از:

### ۲. ۱. ۱. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی خانقاه احمدی شیراز

این نسخه، بی‌شماره، به خط نستعلیق و تاریخ پایان کتابت آن چهارشنبه ۱۴ ربیع‌الآخر ۱۲۵۸ ه.ق. است. نام کاتب هدایت‌الله ابن مهدی طبیب فراهانی اشتری است و آن را در ۱۶۷ برگ و در هر صفحه، بین ۱۷ تا ۲۰ سطر تحریر کرده است. با بررسی‌های انجام‌شده به دلیل اصالت و صحت نسبی این نسخه در قیاس با دیگر نسخ، آن را با نشانه‌ی اختصاری «خ» در نگارش مقاله‌ی حاضر ملاک قرار دادیم.

### ۲. ۱. ۲. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی ملی ملک

این نسخه به شماره‌ی ۴۸۵۸ / ۱ به خط نستعلیق است و کتابت آن در بیست و هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۴ ه.ق. پایان یافته است. کاتب این نسخه نیز محمدباقر پسیمان است و اثر را در ۶۳۲ صفحه و در هر صفحه ۱۴ سطر کتابت کرده است. کاتب در حاشیه‌ی صفحات، بعضی اختلافات را با دیگر نسخ آورده است.

### ۲. ۱. ۳. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران

این نسخه به شماره‌ی ۳۷۰۱/۱ خوانا و به خط نستعلیق است و کتابت آن در چهارم رجب سال ۱۳۰۵ ه.ق. پایان یافته است. نام کاتب، محمدباقر پسیمان است. او منظومه را در ۶۴۰ صفحه و در هر صفحه ۱۴ سطر کتابت کرده است. کاتب در حاشیه‌ی صفحات، معنی بعضی لغات غریب و بعضی اختلافات با دیگر نسخ را آورده است.

### ۲. ۱. ۴. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت شاهچراغ (ع)

این نسخه به شماره‌ی ۶۲۹/۱ به خط نسخ و تاریخ پایان کتابت آن محرم ۱۳۰۷ ه.ق. است. نام کاتب نسخه محمدرضا است. او اثر را در ۵۰۲ صفحه و در هر صفحه ۱۷ سطر کتابت کرده است. کاتب در حاشیه‌ی صفحات، بعضی اختلافات با دیگر نسخ و ابیات و توضیحاتی از مجدالاشراف، فرزند و جانشین سلوکی راز شیرازی آورده است.

### ۲. ۱. ۵. نسخه‌ی چاپ سنگی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی

این نسخه به شماره‌ی ۹۴۲۱ به خط نسخ است و تاریخ پایان کتابت آن ۱۳ رجب ۱۳۴۸ ه.ق. در تبریز است. نام کاتب آن میرزااحمد خوشنویس است و آن را در ۴۳۴ صفحه و در هر صفحه ۱۴ سطر در متن و ۷ سطر در حاشیه کتابت کرده. کاتب توضیحاتی تاریخی و معنای بعضی لغات را در حاشیه‌ی صفحات آورده است.

## ۲.۲. برخی ویژگی‌های زبانی و ادبی اسرارالولایه

منظومه‌ی اسرارالولایه منظومه‌ای داستانی با فضایی حماسی و عرفانی در قالب مثنوی است که در بحر رمل مسدّس محذوف/مقصور، در همان وزن مثنوی معنوی مولوی سروده شده است.<sup>۲</sup> مطابق تبعیت در وزن، این منظومه در سبک شعری و ادبی نیز از آن کتاب تأثیرات زیادی پذیرفته است. غالب ابیات اسرارالولایه مطابق هدف تعلیمی آن، از آرایه‌های شعری خیال‌انگیز و تکلفات و پیچیدگی‌های لفظی و شعری و حلاوت و گیرندگی ابیات مثنوی‌های عظیم عرفانی به‌خصوص در بخش نظم شرح احادیث ولایی خالی است؛ اما لحنی صمیمی و زبانی نوازشگر دارد که القاکننده‌ی شور و عشق به خواننده است. شاعر تحت تسلط مضمون و حال‌وهوای مطالب، بارها از کلمات عربی، آیات قرآنی و احادیث بهره گرفته که در مواردی به دلیل ضرورت وزن و قافیه یا مجبور به تصرف در آیه و حدیث شده یا وزن و قافیه دچار خلل شده است. استفاده‌ی مکرر از آیات و احادیث تا به حدّی است که می‌توان آن را از مهم‌ترین مشخصه‌های سبکی نویسنده در این اثر دانست؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری موارد عناوین بخش‌های مختلف متن رساله، درج کامل یک حدیث است؛ مانند اشاره به آیه‌های ۱۷۲ سوره‌ی اعراف (نسخه‌ی «خ»: بیت ۵۵)، ۱۲۰ سوره‌ی طه (همان: بیت ۹۲)، ۳۵ سوره‌ی نور (همان: بیت ۴۶۹۳)، حدیث نبوی: «مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ» (همان: بیت ۹۲۷) و تلمیح به حدیث نبوی: «السَّالِمَانِ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (همان: بیت ۹۳۰).

برخی ویژگی‌های زبانی اسرارالولایه عبارت‌اند از: حذف آواها مانند: هَزَرَ= هزار (همان: بیت ۸۸۸)، دُجْهَانَ= دو جهان (همان: بیت ۵۸۷۹)؛ افزایش آواها مانند: بایدی گفتن= باید گفتن (همان: بیت ۱۶۳۲)، لازم استی= لازم است (همان: بیت ۱۶۳۷)؛ ترکیبات و تعبیرات تازه مانند: ولایت‌دین (همان: بیت ۲۰۰)، خسته‌کام (همان: بیت ۱۷۴۴)، مَع شَدْنَ (همان: بیت ۲۵۴۸)، اقوام، اَعرَاش (همان: بیت ۶۶۷۲)؛ کاربرد خاص حروف مانند: به راست گویم: کاربرد زائد «به» (همان: بیت ۲۳۶۶)؛ انواع فعل مانند: گردیدی‌ات: کاربرد ماضی ساده‌ی «گردید» (همان: بیت ۲۹۲)؛ بُد در دستمی= در دستم می‌بود (همان: بیت ۱۲۴۴)، گشایندی= می‌گشایند (همان: بیت ۱۶۴۳)؛ واژه‌سازی خلاف قاعده‌ی صرف زبان عربی، مانند: ربوبت= خداوندی (همان: بیت ۳۴۶)، غارات= غارها (همان: بیت ۶۸۶)، جهالات= جهالت‌ها (همان: بیت ۱۰۹۷)؛ حذف نقش‌نمای اضافه مانند: «بودی عشق» (همان: بیت ۲۸۹). دیگر ویژگی‌های مهم سبکی اسرارالولایه عبارت‌اند از:

## ۲.۲.۱. به‌کاربردن لغات عربی دیریاب و اصطلاحات کلامی و فلسفی

درصد لغات عربی در این کتاب نسبت به لغات فارسی بسیار بیشتر است و به تناسب بحث، لغات عربی کم‌کاربردی در اثر به کار رفته است. لغاتی چون: «مرکوز» (همان: بیت ۶۶۶۷)، «متبعض» (همان: در قسمت‌های نثر)، «مجزی» (همان: بیت ۶۶۶۹) و ترکیب «وَعَرِ أَوْعَر» (همان: بیت ۶۷۲۶). با درنظر گرفتن عناصر همنشینی، به اصطلاحاتی عرفانی نیز برمی‌خوریم که بسامد بالایی دارند و با تکرار در بخش‌های مختلف منظومه، نقش متمایزکننده‌ای در ساختار زبان و اندیشه‌ی حاکم بر ذهن گوینده و متن وی دارند. اصطلاحاتی چون: غیب ممتزج (همان: بخش نثر)، «ذات بحت» و



«مصموت ذات» (همان: بیت ۶۸۴۰)، «هاهوت» (همان: بیت ۴۵۷)، «جسم آنزعیه» (همان: بیت ۶۲۱۹) و «فقرالملوک» (همان: بیت ۵۱).

## ۲.۲.۲. استفاده از اشعار عربی

راز از اشعار عربی به‌عنوان شاهد گفته‌های خود و برای توضیح مطلب بهره برده است؛ چه اشعاری که خود سروده و چه اشعاری که از دیگران از جمله حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده است:

دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تَشْعُرُ      وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَمَا تَنْظُرُ  
أَنْزَعَمُ أَنْكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ      وَ فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ  
(همان: ابیات ۷۰۴۴ و ۷۰۴۶)

## ۲.۲.۳. استفاده از اشعار دیگر شاعران

در این رساله تضمین آیات قرآن و احادیث بسیار فراوان است و سراینده در موارد زیادی، اشعار دیگر شعرا به‌ویژه مولانا (بیش از پنجاه بیت) را تضمین و در لابه‌لای اشعار خویش (با اشاره به نام شاعر یا بدون اشاره) گنجانده است. راز شیرازی به غیر از مولانا، اشعاری را از شاعران دیگر از جمله سنایی، عطار، شیخ محمود شبستری، شیخ‌بهایی و میرجمله‌ی اصفهانی تضمین کرده است.

## ۲.۲.۴. عناصر و اصطلاحات پربسامد قرآنی

در این رساله شاهد کاربرد کلمات و نشانه‌هایی هستیم که حاصل همنشینی و تدبیر و انس مدام گوینده با آیات قرآن کریم است و با اقتباس از آیات در متن رساله گنجانده شده و به‌واسطه‌ی مجاورت با اصطلاحات عرفانی همراه با تأویل و تفسیر، به ویژگی سبکی نگارنده بدل شده است. واژه‌ها و اصطلاحاتی همچون: «وجه‌الله» (همان: بیت ۷۴۲)، «عروة‌الوثقی» (همان: بیت ۱۵۵)، «خلع نعلین» (همان: بیت ۱۷۴)، «خمر طهور» (همان: بیت ۲۹۲) و ... .

## ۲.۳. نوع ادبی اسرارالولایه

در بحث‌های نظری از هر نوع ادبی، نظریه‌پردازان ویژگی‌های متعددی را برای هر نوع ادبی برمی‌شمرند. هنگام بررسی متون مختلف نیز، کمیّت و کیفیت حضور همین ویژگی‌ها در اثر در تعیین نوع ادبی آن به کمک پژوهشگر می‌آید؛ اما گاه در یک اثر ویژگی‌هایی از چند نوع ادبی دیده می‌شود. انواعی چون حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی نتیجه‌ی چنین ویژگی‌هایی در اثر ادبی است. هرچند این دو نوع ادبی در ظاهر به یکدیگر بسیار شبیه‌اند؛ اما تفاوت‌های ظریف میان آن دو، شرایط را برای ظهور متنی ادبی در میانه‌ی این دو نوع فراهم می‌کند؛ یعنی متنی که هم‌زمان ویژگی‌های هر دو نوع را در خود داشته باشد. به نظر می‌رسد اسرارالولایه یکی از این متن‌هاست. محتوای این مثنوی را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم کرد: ۱. بیان کشف و شهودهای باطنی شاعر و آوردن آیات و احادیثی در شرح آن؛ ۲. شرح حماسی زندگی و نبردهای امیرالمؤمنین (ع)؛ ۳. ذکر و شرح احادیث مفصل در باب مقام ولایت. در این سه بخش، روایت حماسی زندگی امام‌علی (ع) در کنار تبیین و تفسیر دقیق‌ترین مفاهیم عرفانی دیده می‌شود؛ یعنی پردازش

داستانی انجام شده در این اثر همچون دیگر حماسه‌های عرفانی شامل استفاده از ساختار روایی بلند در بیش از هفت هزار بیت، بهره‌گیری از قالب مثنوی، اطناب و تفصیل در شرح وقایع و مطالب، مقاومت قهرمان و پویایی صحنه‌ها است و از دیگر سو، در آمیختن اثر با احادیث و تبیین و تفسیر عرفانی آن‌ها، زاویه دید عارفانه‌ی شاعر در مواجهه با وقایع تاریخی استنباط می‌شود.

### ۲. ۳. ۱. ویژگی‌های حماسی دینی اسرارالولایه

لفظ «حماسه» در معنای دلاوری و شجاعت آمده است و در انواع ادبی «نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد» (صفا، ۱۳۶۹: ۳). نوع ادبی حماسه که از کهن‌ترین انواع ادبی به‌شمار می‌آید که در طی زمان و با افزایش آثار ادبی خلق شده دچار توسعه معنا شد و محققان به هر اثری که در یکی از ابعاد دارای روح حماسی باشد هم نام حماسه را اطلاق کرده‌اند (رک. شمیسا، ۱۳۹۴: ۶۵). حماسه‌ها را به اعتبار موضوع به حماسه‌های اساطیری چون *مهاباراتا*، حماسه‌های پهلوانی چون بخش پهلوانی *شاهنامه‌ی فردوسی*، حماسه‌های دینی چون *خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام* خوشفی و حماسه‌های عرفانی همچون *منطق‌الطیر عطار نیشابوری* و *زبده‌الأسرار صفی‌علی‌شاه* تقسیم کرده‌اند (رک. همان: ۶۷-۶۸).

اولین بار صفا در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* اصطلاح حماسه‌ی دینی را به کار برد و آن را زیرمجموعه‌ی حماسه‌ی تاریخی دانست:

«ممکن است موضوع حماسه‌ی تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به وجود آمده باشد؛ یعنی منظومه‌هایی که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آن‌ها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملی نام برده شود. من این‌گونه منظومه‌های حماسی را که اتفاقاً در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری مانند *خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام* و *حملة‌ی حیدری* باذل و کتاب *حملة‌ی راجی* و *خداوندنامه‌ی صبا* و *اردیبهشت‌نامه‌ی صبا* و جز این‌ها دارد، منظومه‌ی حماسی دینی می‌نامم» (صفا، ۱۳۶۹: ۷۱).

پس از او پژوهشگران با بررسی این دست از متون دینی حماسی، ویژگی‌هایی برای این نوع ادبی برشمردند: ۱. قهرمان و شخصیت اصلی در این حماسه‌ها، یکی از انبیا یا ائمه (ع) یا بزرگان مذهبی است؛ ۲. گاهی حماسه‌ی دینی درباره‌ی یک واقعه‌ی مهم مذهبی مانند غدیر خم است؛ ۳. استفاده از مآخذ معتبر در روایت و اشاره کردن به آن؛ ۴. استفاده از وزن و قالب *شاهنامه*؛ ۵. اشاره کردن به فردوسی و ابیات *شاهنامه*؛ ۶. تقلید از شاخص‌های زبانی و ادبی *شاهنامه*؛ ۷. پرداختن به ساقی‌نامه؛ ۸. عمده‌ترین خوارق عادت در این منظومه‌ها همان کرامات اولیا و معجزات پیامبران است؛ ۹. ظهور ویژگی‌های غنایی در زبان به دلیل وجود ساقی‌نامه در متن؛ ۱۰. زبان سست و مبتذل به دلیل کم‌سواد بودن سراینده (در بعضی موارد)؛ ۱۱. مهم‌ترین درون‌مایه‌ی این منظومه‌ها دفاع از راستی و جوانمردی و نکوهش تقلب و دورویی و بزرگ‌ترین مقصد قهرمانان رواج دین درست از طریق یکتاپرستی است (رک. شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۲۰۴). تقریباً بیشتر ویژگی‌های گفته شده، درباره‌ی *اسرارالولایه* صدق می‌کند:

حضور قهرمانانه‌ی اولیا و انبیا در اسرارالولا به: همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این مثنوی در بخش میانی به نبردهای حضرت علی (ع) می‌پردازد. از بیت ۶۵۴، شاعر ذیل عنوان «فی بیان غزوه احد و نزول لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» نبردهای ایشان را شرح می‌کند و گاه با بیان دقیق‌ترین جزئیات و گاه با مروری کلی و گذرا نبردهای حضرت را از غزوه‌ی احد تا پایان جنگ نهروان وصف می‌کند.

روشن است که در این نبردها، قهرمان، حضرت علی (ع) است. راز شیرازی با مقایسه‌ی رشادت‌ها و دلاوری‌های ایشان در مقایسه با دیگر صحابه، وجه قهرمانی شخصیت ایشان را پررنگ می‌کند و به این شکل، روایت حالت حماسی به خود می‌گیرد؛ از جمله راز شیرازی به شرح مفصل و دقیق غزوه‌ی خیبر می‌پردازد و ابتدا ناتوانی ابوبکر و عمر را از فتح این قلعه و سپس علم‌داری حضرت در این جنگ و نبردشان با مرحب یهودی و سپس برکندن در قلعه‌ی یهودیان و فتح آن قلعه را وصف می‌کند.

البته این قهرمان مانند هر روایت حماسی دیگر، ضدقهرمان‌هایی در برابر خود دارد. راز شیرازی در شرح ماجرای صلح حدیبیه به نقش منفی عمر خطاب در این ماجرا و نقض آن صلح می‌رسد و سپس ماجرای فتح مکه و نقش حضرت علی (ع) در آن را پیش می‌کشد و ماجرای شکسته شدن بت‌های کعبه به دست ایشان را روایت می‌کند. پس از شرح کوتاه و گذرای وقایع مرتبط با اهل بیت (ع) در زمان خلفای سه‌گانه، میرزابابا ماجرای به‌خلافت‌برگزیده شدن حضرت علی (ع) را نقل می‌کند و پس از بیان چند بیت کوتاه، به بیان داستان ناکثین و بیعت‌شکنی و فتنه‌انگیزی عایشه، طلحه و زبیر با بیانی بی‌پروا و برخاسته از غیرت دینی می‌پردازد و آن‌ها را سرزنش می‌کند.

نظم داستان جنگ جمل از ابتدا تا انتها به‌صورت دقیق و مفصل با ذکر جزئیات تاریخی و بیان احادیث مرتبط با آن به پایان می‌رسد و ذکر غزوه‌ی صفین و حکایت قاسطین شروع می‌شود. شاعر با ذکر پیشینه‌ی معاویه در زمان عمر و عثمان، ماجرای این جنگ را آغاز می‌کند و با بیان حکایت سرپیچی معاویه از بیعت با حضرت علی (ع) آن را ادامه می‌دهد. میرزابابا در این قسمت به تناسب موضوع، با برگشتی به اواخر دوره‌ی عثمان، ماجرای فتنه‌ای که موجب قتل او شد و نقش حضرت علی (ع) در آرام کردن آن فتنه را به نظم می‌کشد.

**خوارق عادت:** خوارق عادت نیز در این مثنوی در قالب روایت کردن کرامات حضرت علی (ع) دیده می‌شود. راز شیرازی بعد از توصیف جنگ خیبر، به بیان کشف و کراماتی از حضرت علی (ع) می‌پردازد و این کرامات را با بیان احادیثی از پیامبر (ص) تبیین می‌کند. همچنین روایت مربوط به کرامت حضرت علی (ع) در ماجرای آب‌بستن معاویه بر لشکر امام و کرامت امام در شکستن حصر آب را نیز باید افزود. پس از شرح تلخ پایان ماجرای حکمیت و بازگشت طرفین از جنگ، به توصیف نه‌معجزه از حضرت علی (ع) در طول زندگی‌شان (از جمله حکایت رد‌الشمس) و به تناسب هریک از حکایات و کرامات، به بیان آیات و احادیثی در جهت تبیین آن‌ها می‌پردازد و سپس با اشاره‌ای بسیار کوتاه، داستان و فرجام کار مارقین در نبرد نهروان را ذکر می‌کند.

### تأثر از شاهنامه‌ی فردوسی

در این منظومه، تقلید و تأثر سبکی و لغوی از شاهنامه، در روایت‌های جنگ به‌خصوص هنگام نبردهای تن‌به‌تن پرتکرار و مشهود است؛ مانند:

اهرمن سان بود با کوپال و یال      شد به غیرت چون تهمتن در جدال  
(نسخه‌ی خ: بیت ۲۸۹۱)  
بس شکست و بست و برید و فکند      دست و پا و سر ز دیوان نژند  
(همان: بیت ۳۰۰۰)

**مأخذ تاریخی:** راز شیرازی در به‌نظم کشیدن بسیاری از این روایات تاریخی با وجود صحت و سندیت داشتن اصل ماجرا و روایت، از هرگونه اغراق خودداری نکرده و به متن تاریخ پایبند نبوده و در مواردی معدود هم داستان‌هایی کاملاً بی‌پایه و اصل را نقل کرده است؛ همچون داستان تغییر چهره‌ی عمّار یاسر به چهره‌ی معاویه و یزید با کرامت حضرت علی (ع) به قصد شکستن محاصره‌ی آب در نبرد صفین. براساس بررسی‌های انجام‌شده، روایات تاریخی این کتاب شباهت‌ها و همسانی‌های بسیاری با وقایع تاریخی مذکور در کتاب *ناسخ‌التواریخ* اثر لسان‌الملک سپهر دارد که با توجه به اتمام مجلدات نخستین این تاریخ (که شامل وقایع صدر اسلام می‌شود)، در حدود سال ۱۲۶۳ و تقدّم بیش از بیست‌ساله‌ی آن بر سرایش این کتاب و از طرفی شهرت فراگیر کتاب *ناسخ‌التواریخ* در زمانه‌ی خودش به‌دلیل جایگاه حکومتی نویسنده، احتمال اینکه این کتاب منبع شاعر در سرایش روایات تاریخی باشد بسیار زیاد است.

### ۲.۳.۲. ویژگی‌های حماسی عرفانی اسرارالولایه

بین انواع ادبی حماسه و عرفان چه از لحاظ ساختار و چه از لحاظ محتوا اشتراکاتی وجود دارد که موجب پیدایش حماسه‌های عرفانی شده‌است. در حماسه‌های عرفانی، شاعر با زبان و سبکی حماسی به پدیده‌ی سفر روحانی و خداجویانه‌ی بندگان بزرگ حق از خاک به افلاک می‌پردازد و در ضمن آن، نبردهای دلیرانه‌ی این پهلوانان الهی با دشمنان آفاقی و انفسی آنان را که در حکم موانع و حجاب‌های سلوکی آنان هستند، هم توصیف و تحلیل می‌کند. از مهم‌ترین اشتراکات و شباهت‌های انواع حماسه و عرفان که عامل ایجاد نوع ادبی حماسه‌ی عرفانی شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**ساختار همسان:** محوریت روایت‌های حماسی و عرفانی بر اصالت نقش قهرمان است. حماسه‌ها مبتنی بر قهرمانی هستند که نبردهایش با ظالمان، تجاوزگران و جانوران اهریمنی چون دیوان و جادوگران است و هدفش پاسداری از وطن و آرمان‌ها و ارزش‌های اصیل و انسانی آن و روایت‌های عرفانی مبتنی بر قهرمانی هستند که در نبردی مداوم با دشمن نفس (در درون خود و در باطن دیگران)، شیطان و سپاه آن است و به پاسداری حریم روح پاک الهی که در باطن تمام انسان‌ها گوه‌ری به‌امانت نهاده شده‌است، می‌پردازد و دیو نفس و دیوکرداران را در سلوک پهلوانانه‌ی خویش شکست می‌دهد (رک. قبادی، ۱۳۸۱: ۱۴).

**عناصر متضاد:** عنصر جنگ و نبرد در حماسه‌ها از محوری‌ترین و پرتکرارترین عناصر است. حماسه‌ها سرشار از شخصیت‌های قهرمان و ضدقهرمانی هستند که رنگ متضاد آنان هویت هر حماسه‌ای را تشکیل می‌دهد. در آثار عرفانی با اینکه خداوند یگانه‌وجود عالم هستی است، ظهور او در صفات جلالیه و جمالیه موجب می‌شود که اصل تضاد بر عالم خلق حاکمیت داشته باشد؛ یعنی هر موجودی ظهوری از لطف یا قهر حق باشد و این مظاهر در عالم پیوسته در حال جدال و کشمکش باشند (رک. محمودی و ادبی فیروزجائی، ۱۳۰۶: ۱۲۰)

به تعبیر مولانا جلال‌الدین:

این جهان جنگ است کل چون بنگری      ذره با ذره چو دین با کافری  
(مولانا، ۱۳۹۸: ۱۲۷۱)

**عناصر سفر:** حضور روایت سفر/ سفرهای پرمخاطره که در هر مرحله و خوان آن پهلوان با خرد و نیروی خود موانع اهریمنی را شکست می‌دهد و به مقصود نزدیک می‌شود، به‌طورهمسانی در روایت‌های عرفانی وجود دارد. سالک در سیر خداجویانه‌ی خویش با گذر از وادی‌های سلوک که هرکدام حجاب‌های او برای لقای خداوند هستند، به غایت خود نزدیکی می‌جوید. نمونه‌ی روشن حضور این عنصر در حماسه‌های عرفانی کتاب *زبده‌الاسرار* است که شاعر عارف با منظوم کردن داستان سفر امام‌حسین (ع) به کربلا و شرح عرفانی مشکلات و درنهایت نبردهای حماسی ایشان و یارانشان سیر عروج و صعود آن‌ها را از طریق این سفر به نمایش می‌گذارد.

**عناصر آزادی و رهایی از بند:** در حماسه‌ها هدف و مقصد پهلوانانی که به سفرهای پرمخاطره و دشوار دست می‌یازند، آزادی شاه یا بزرگان کشور است؛ همچون هفت‌خوان رستم، هفت‌خوان اسفندیار، سفر رستم به توران برای رهایی بیژن و سفر گیو به توران برای آوردن کیخسرو و رهایی‌اش از افراسیاب. در منظومه‌های عرفانی هم هدف سالک نجات و رهایی خود و همراهان طریق از بند اسارت‌های نفسانی و شیطانی است و مرغ روح سالک با پوییدن وادی‌های مختلف به تدریج از قفس موانع جسمانی و مادی رهایی پیدا می‌کند و در آسمان روحانی تیزپروازتر می‌شود.

**دیگر درون‌مایه‌های مشترک:** آزمون و امتحان قهرمان، رازآمیز بودن وقایع، خواب و رؤیا و اثرگذاری آن بر روند روایت، خرق عادت و حضور عناصر فوق‌طبیعی (رک. قبادی، ۱۳۸۱: ۷).

**پردازش‌های داستانی همسان:** در آثار منظوم حماسی و عرفانی اغلب شاهد بهره‌گیری از ساختار روایی بلند و استفاده از ساختار مثنوی، تفصیل و اطناب، پیوند خوردن بعضی داستان‌ها با همدیگر، عزم استوار قهرمان و تاب‌آوری او در برابر مشکلات و تحرک و پویایی صحنه‌ها هستیم (رک. همان: ۶).

چنان‌که دیده می‌شود، برخی از این ویژگی‌ها مانند ساختار همسان، عناصر متضاد و نبرد، به‌گونه‌ای در ویژگی‌های حماسه‌ی دینی نیز دیده می‌شود؛ اما به‌طورخاص میان نبرد در حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در حماسه‌ی دینی، نبرد بیرونی و در حماسه‌ی عرفانی نبرد درونی است؛ از همین روی در حماسه‌ی دینی نبرد خیر و شر میان قهرمان که از اولیای خداوند است، با ضدقهرمان که در صف دشمنان خداوند ایستاده درمی‌گیرد؛ اما در حماسه‌ی عرفانی، قهرمان و ضدقهرمان در درون شخصیت یا شخصیت‌های اصلی با یکدیگر در جدالند. با این

وصف اسرارالولایه را باید در زمره‌ی حماسه‌های دینی قرار داد؛ اما محتوا و ساختار این مثنوی به گونه‌ای است که نمی‌توان جنبه‌های عرفانی آن را نادیده گرفت.

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، این مثنوی شامل سه بخش است و ویژگی‌های حماسه‌ی دینی در بخش میانی آن، کاملاً آشکار است؛ اما بخش آغازین و پایانی این مثنوی حاوی مباحث عمیقی در باب ولایت است. راز شیرازی این مثنوی را با بیان کشف و شهودهای باطنی خود و شرح آن با تمسک به آیه و حدیث آغاز می‌کند و البته از همان بیت نخست، از امام علی (ع) سخن می‌گوید و اسرارالولایه را بدون هیچ خطبه و مقدمه‌ای با این بیت آغاز می‌کند:

این شنیدستی که شه مولی علی سرّ خود با چه بگفت از پُر دلی

(نسخه‌ی خ: بیت ۱)

که شروع بیان و شرح «حدیث حقیقت» و گفت‌وگوهای امام علی (ع) با کمیل بن زیاد است.

پس از شرح این حدیث، شاعر در ذیل عنوان «فی ظهور بوارق الحقیقه للنّاطم» ریاضت‌های شصت‌ساله‌ی خویش را در فارس شرح می‌کند و پس از آن به مکاشفه‌هایی که در سفر اخیر خود به مشهد برایش رخ داده بود، می‌پردازد و می‌گوید که در آنجا با شفاعت و معرفی پدرش (استاد سلوکی او و قطب سلسله‌ی ذهبیه) به محضر امام رضا (ع)، موردتوجه و الطاف ویژه‌ی ایشان قرار می‌گیرد و ایشان او را به مقام درباری آستان ولایت و استادی و ارشاد طالبان طریق منصوب می‌کنند.

در ادامه‌ی منظومه، در مکاشفه‌ای دیگر که در همان سفر در شهر مشهد برای شاعر رخ می‌دهد، به همّت و عنایت باطنی امام رضا (ع) به امام زمان (عج) که صاحب ولایت کلی و قطب عالم امکان در دوره‌ی حیات راز هستند، متصل می‌شود و همین مکاشفه و اتصال باعث ترقی کلیدی مقامات سلوکی معنوی او می‌شود.

راز شیرازی پس از شرح این ماجرا به بیان و شرح چند آیه، حدیث قدسی، نبوی و علوی که با تأویلات شاعر همگی در باب ولایت نازل و صادر شده‌اند، می‌پردازد و در حین شرح آن‌ها، اصول کلی و جزئی مقام ولایت و رابطه‌ی آن با مقام رسالت، الوهیت، عبودیت و مقامات و اطوار سلوکی را بیان می‌کند و در حقیقت با بیان این نکات و اصول ولایی، به شرح و تفسیر مکاشفه و شهود باطنی خود می‌پردازد که نخست به صورت موجز و رمزی بیان شده بود.

بنابراین راز شیرازی از همان ابتدا، توجه ویژه‌ی خود را به ابعاد روحانی و عارفانه‌ی حضرت علی (ع) نشان می‌دهد. توجهی که در بخش دوم که حال‌وهوای حماسی دارد، هم از آن غافل نیست. او در این بخش به تناسب حضور امام حسین (ع) در یکی از جنگ‌ها، اشاره‌ای کوتاه به واقعه‌ی کربلا می‌کند و سپس آیات و احادیثی در شرح مقام امامت و ولایت می‌آورد و به شرح آن می‌پردازد.

این رویکرد در فصل سوم بسیار کامل‌تر و محققانه‌تر ادامه می‌یابد. راز شیرازی در بخش سوم، به بیان احادیثی از حضرت علی (ع) و امام صادق (ع) در باب مقام ولایت می‌پردازد و سپس آن‌ها را به صورت مفصل و دقیق شرح می‌کند. نخستین حدیثی که در این قسمت طرح و شرح می‌کند، حدیثی است که در آن سلمان فارسی از حضرت علی (ع) درخواست کشف سرّی از اسرار دین را می‌کند. کرامت حضرت علی (ع) در این روایت نقش ویژه‌ای دارد.

بدین ترتیب ویژگی خرق عادت که از ویژگی‌های حماسه‌ی دینی بود، در بستری کاملاً عرفانی نمود می‌یابد. حضرت علی (ع) برای کشف سرّی از اسرار دین بر سلمان، با کرامت خویش، او را پس از گذشت از سه دریا به جزیره‌ای خرم راهنمایی می‌کند. در آن جزیره به اذن حضرت، دو شتر غیرعادی و شگفت‌آور از دل کوهی بیرون می‌آیند و حضرت از شیر آنان به سلمان می‌نوشاند و سلمان در حالت مستی قرار می‌گیرد و در آن حال حضرت از مقامات و کرامات خود و جایگاه شیعیان خود برای سلمان نقل می‌کند و پس از آن، حضرت به کرامت خویش، سلمان را از روی دریاها می‌گذراند و به مدینه می‌رساند. سپس راز شیرازی به تأویل و شرح این حدیث و عناصر و رموز آن می‌پردازد و نخست به صورت نثر و سپس در قالب نظم آن تأویل‌ها و اسرار را شرح می‌کند.

دومین حدیثی که در این قسمت بیان و شرح می‌شود، حدیثی است از حضرت علی (ع) که ابن‌بابویه در کتاب توحید نقل کرده و موضوع آن حجاب‌های روحانی بین عالم ملک و ملکوت است. حضرت در این حدیث به تعداد حُجُب و کیفیت آن‌ها و بیان تأویل و رموز آنان پرداخته است.

راز شیرازی پس از بیان و شرح گسترده‌ی این حدیث به صورت نظم، به داستان صدور «حدیث نورانیت» از حضرت علی (ع) می‌پردازد و قسمت زیادی از اثر خویش را به نقل متن عربی حدیث و شرح و ترجمه‌ی فارسی آن اختصاص می‌دهد. حدیث نورانیت حدیثی است از حضرت علی (ع) که در آن ایشان خطاب به سلمان و ابوذر عمیق‌ترین مطالب جایگاه ولایت و معرفت به آن و ارتباط آن با خالق و مخلوق را بیان می‌کند. در این قسمت از منظومه تمام گفت‌وگوهای حضرت با سلمان و ابوذر و شرح آنان به صورتی آسان‌یاب به نظم کشیده شده است. در میان نظم مفصل این حدیث، به تناسب بحث، شرح آیاتی از قرآن نیز دیده می‌شود. در حدیث دوم نیز راز شیرازی از بیان کرامت و خرق عادت غفلت نکرده است. او در میان شرح این حدیث، به نقل واقعه‌ای از عنایت حضرت علی (ع) به یکی از مسیحیان در زمان محمدشاه قاجار در سال ۱۲۶۰ ه.ق و ایام نبرد ایران و انگلستان در هرات می‌پردازد.

سومین حدیثی که به طور مفصل ابتدا با نقل متن عربی حدیث و سپس به صورت ترجمه‌ی منثور و در نهایت به صورت شرح منظوم آن در این منظومه آمده، حدیثی است که مفضل بن عمر الجعفی از یاران خاص امام جعفر صادق (ع) از ایشان نقل کرده و در آن، در باب خلقت و مراتب آن و جایگاه مخلوقات به ویژه جایگاه معصومین (ع) و صاحبان ولایت در آن صحبت به میان آمده است. امام در این حدیث بسیار دقیق و با ذکر جزئیات و با اصطلاحاتی فلسفی در باب نور الهی و اشراق آن، که موجب خلقت می‌شود و مراتب این اشراق، نکاتی ژرف و ویژه را بیان کرده‌اند و راز شیرازی نیز در شرح منظوم آن حدیث کوشیده است تا نکات مبهم آن را بسط و شرح دهد.

راز شیرازی در قسمت‌های انتهایی این منظومه و در ادامه‌ی شرح این حدیث، به جایگاه بی‌بدیل حضرت علی (ع) در عوالم مختلف می‌پردازد و ایشان را مطابق حدیث نبوی «أنا مدینه العلم و علیّ بابها»، باب ولایت‌الله می‌خواند و راه وصول به این باب را محبت ایشان و فرزندان مطهرش علیهم‌السلام معرفی می‌کند، چنان‌که در دو بیت پایانی منظومه می‌گوید:

محبت را تو باب علم حق دان      بگردد از محبت کارت آسان

محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو، محبت جو

(نسخه‌ی خ: ابیات ۷۵۸۲-۷۵۸۳)

در این قسمت از منظومه، راز شیرازی از کتاب *قوائم الانوار و طوابع الاسرار* در نقل و شرح احادیث ولایی و عرفانی بهره‌های زیادی برده‌است و غالب احادیث ذکرشده به‌طورهمسانی در آن کتاب نیز شرح و ذکر شده‌اند. به‌طورکلی می‌توان آن کتاب را تأثیرگذارترین اثر بر این منظومه دانست.

### ۳. نتیجه‌گیری

انواع ادبی و بررسی و دسته‌بندی متون براساس آن، کمک شایانی به فهم متن و مختصات سبکی آن می‌کند؛ اما ادبیات عرصه‌ی خلاقیت و بینش فردی آفریننده‌ی اثر است؛ به همین دلیل به‌سختی می‌توان متنی را یافت که تمامی ویژگی‌های یک نوع ادبی را در خود داشته باشد یا به چارچوب نوع ادبی خاصی محدود باشد. دگرگونی و پویایی متون ادبی و پیدایش زیرژانرها، مانند حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی نتیجه‌ی همین امر است. این دو نوع ادبی بسیار نزدیک اما متفاوت از یکدیگرند، به‌گونه‌ای که ترکیب آن‌ها می‌تواند منجر به آفرینش اثری منحصربه‌فرد چون *اسرارالولایه* شود. این مثنوی به‌دلیل محوریت شخصیت حضرت علی (ع) در سیمای قهرمانی دینی و شرح نبردهای ایشان و ذکر برخی کرامت‌هایشان، با نوع ادبی حماسه‌ی دینی همخوانی دارد؛ اما در بخش‌های ابتدایی و پایانی به مباحث عمیق عرفانی می‌پردازد و وجه عرفانی حضرت علی (ع) را به خواننده می‌نمایاند؛ بنابراین از نظر ساختاری، منظومه‌ی *اسرارالولایه* متشکل از سه بخش است: بخشی حماسی دینی (با رگه‌هایی از بن‌مایه‌های عرفانی) که با دو بخش عرفانی احاطه شده است. غلبه‌ی کمی مباحث عرفانی در این متن، بیانگر مهم‌تربودن وجه عرفانی شخصیت حضرت علی (ع) در ذهن شاعر است؛ اما متن آشکارا به سه بخش تقسیم می‌شود که دو بخش رنگ‌وبوی عرفانی و یک بخش رنگ‌وبوی حماسی دارد. آنچه باعث انسجام ساختار این اثر و ارتباط سه بخش آن با یکدیگر می‌شود، مفهوم ولایت است. ولی ولایت ظاهری و باطنی دارد. راز شیرازی در ابتدا و انتهای اثر به باطن ولی و در میانه‌ی آن به ظاهر او پرداخته است. بدین ترتیب او با جایگزین کردن مفهوم ابرانسان یا قهرمان با مفهوم ولی دو ویژگی مهم به *اسرارالولایه* بخشیده است: ۱. این مثنوی را با ساختاری منسجم در مرز میان حماسه‌ی دینی و حماسه‌ی عرفانی قرار داده است؛ ۲. با جداکردن (نسبی) مباحث عرفانی و حماسی از یکدیگر، هوشمندانه دو وجه ظاهر و باطن ولی را در ساختار اثر گنجانده و به مخاطب عرضه می‌کند تا به او یادآور شود که همیشه در پس زندگی ظاهری اولیا، حقیقتی ژرف پنهان است.

### یادداشت

۱. در اصطلاح دینی، ولی خدا کسی است که به قرب حق رسیده و در نگاه عرفانی، ولایت قاعده و اساس طریقت و معرفت است و آینه‌ای است که تمام اسما و صفات الهی در آن متجلی است و از جهت موقعیت، از یک‌سو به مقام احدیت و از سوی دیگر به عالم تکثر و صورت ارتباط دارد (رک. نیری، ۱۴۰۰: ۳۱۵). مبحث ولایت که محوری‌ترین و جامع‌ترین نظریات آن از مذهب تشیع ظهور کرده، متضمن ارتباط خداوند و مخلوقات اوست. وجود نبی و ولی از آنجاکه هم با خدا نزدیک‌ترین رابطه را دارند



و هم خود مخلوق هستند، حلقه و رابط انسان با حق‌آند و سایر موجودات هستی از طریق آن‌ها به خداوند متصل‌اند. هر فیضی که به عالمیان می‌رسد، به برکت وجود ایشان است و چون مقصد نهایی همه‌ی ادیان، بازگشت به مبدأ و حضرت احدیت است، ولایت اهل عصمت (ع) مقصود و مقصد تمام ادیان است؛ چون ایشان وسیله‌ی رجوع به حق و نقطه‌ی وحدتی هستند که تمامی موحدان را در یک دایره جمع می‌آورند. سالکان الهی در طریق وصول به حق، به واسطه‌ی وجود صاحب ولایت با حق ارتباط دارند و حق نیز به وسیله‌ی ولی با ایشان متصل است. این جایگاه رفیع، نتیجه‌ی قرب خاص ایشان با حق است.

نور ولایت که جلوه‌گاه حق و مظهر پاک ذات و اسما و صفات اوست، سببی است که خداوند آن را راه رسیدن به معرفت برای انسان‌ها قرار داده تا به واسطه‌ی آن به حق عارف شوند و او را بپرستند؛ زیرا ذات اقدس احدیت غیب دست‌نیافتنی است و کسی را به آن راه نیست؛ اما با نور مقدس حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) که صراط مستقیم و نزدیک‌ترین بندگان به حق تعالی هستند، راه به معرفت و لقای الهی گشوده می‌شود.

### منابع

- قرآن کریم. (۱۳۹۸). ترجمه‌ی بهالدین خرمشاهی، تهران: دوستان.
- بردبار، مریم‌بانو. (۱۳۷۹). شرح و تفسیر ولایت در آثار راز شیرازی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی فسا.
- خاوری، اسدالله. (۱۳۹۸). ذهبیه: تصوف علمی و آثار ادبی. تهران: دانشگاه تهران.
- خوسفی، ابن حسام. (۱۳۹۲). خاوران‌نامه. تهران: ثالث.
- راز شیرازی، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۷۲). کوثرنامه. شیراز: خانقاه احمدی.
- \_\_\_\_\_ شیراز: کتابخانه‌ی آستان شاهچراغ. نمره مسلسل ۶۲۹/۱. [نسخه‌ی خطی]، تألیف ۱۲۸۵ ه.ق. تاریخ کتابت: ۱۳۰۷ ه.ق.
- \_\_\_\_\_ شیراز: کتابخانه‌ی خانقاه احمدی شیراز. [نسخه‌ی خطی] تألیف ۱۲۸۵ ه.ق. تاریخ کتابت ۱۲۵۸ ه.ق.
- \_\_\_\_\_ تهران: کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، نمره‌ی مسلسل ۳۷۰۱/۱. [نسخه‌ی خطی] تألیف ۱۲۸۵ ه.ق. تاریخ کتابت ۱۳۰۵ ه.ق.
- \_\_\_\_\_ تهران: کتابخانه‌ی ملی ملک، نمره‌ی مسلسل ۴۸۵۸/۱. [نسخه‌ی خطی] تألیف ۱۲۸۵ ه.ق. تاریخ کتابت ۱۳۰۷ ه.ق.
- \_\_\_\_\_ (ف ۱۲۸۶ ه.ق.). اسرارالولایه. تبریز: چاپ سنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). قوائم‌الانوار و طوابع‌الأسرار. به تصحیح خیرالله محمودی، شیراز: دریای نور.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). تصحیح و شرح پنج رساله از ابوالقاسم راز شیرازی (مرآت‌العارفین، مناسک‌العاشقین، قنوتیه، مرصادالعباد، منامیه). به تصحیح و شرح عباس مرادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۸۷). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق و ضبط محمدخلیل اتیانی، تهران: موسسه‌ی فرهنگی آرایه.

رحمانی، شهریار. (۱۳۹۴). *تحلیل مباحث عرفانی در غزلیات راز شیرازی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

رؤیا، رضامنش. (۱۴۰۰). *نظریه‌ی انسان کامل از دیدگاه راز شیرازی با تکیه بر شرح خطبه‌البیان*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد.

سپهر، محمدتقی لسان‌الملک. (۱۳۹۰). *ناسخ‌التواریخ*. به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.

شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). *انواع ادبی*. تهران: میترا.

شهبازی، اصغر. (۱۳۹۳). «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی». *آینه‌ی میراث*. دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۸۳-۲۱۰.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

صفی‌علی‌شاه، میرزاحسن. (۱۳۶۱). *زبده‌الاسرار*. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۹۵). *منطق‌الطیر*. تهران: سخن.

فخر احمد، آمنه. (۱۳۷۳). *احوال و آثار راز شیرازی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

فردوسی توسی، ابوالقاسم حسن بن منصور. (۱۳۹۹). *شاهنامه*. تهران: سخن.

قبادی، حسین‌علی. (۱۳۸۱). «حماسه‌ی عرفانی، یکی از انواع ادبی در ادبیات فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱، صص ۱-۲۰.

کی‌منش، عباس. (۱۳۷۹). «پیوند حماسه با عرفان». *پژوهشنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، سال ۷، شماره‌ی ۲۷، صص ۱۲۷-۱۵۴.

محمودی، خیرالله؛ ادبی فیروزجائی، حسین. (۱۳۹۶). «بنیاد حماسه‌ی عرفانی و مصداق‌های آن در مثنوی». *تفسیر و تحلیل متون ادب فارسی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳۳، صص ۱۳۳-۱۵۲.

مرادی، عباس؛ نیری، محمدیوسف. (۱۳۹۱). «ولایت در نگاه راز شیرازی». *شعرپژوهی (بوستان ادب)*، سال ۴، شماره‌ی ۱، صص ۱۹۷-۲۲۲.

مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۴). *مثنوی معنوی*. تهران: روزنه.

نیری، محمدیوسف. (۱۳۸۶). *امیر جان/فروز*. شیراز: دریای نور.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). *نرگس عاشقان: تحلیلی ساده و بنیادی مبانی محوری عرفان اسلامی*. شیراز: دانشگاه شیراز.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۰). *عروس حضرت قرآن: درآمدی بر قرآن‌شناسی عرفانی و هندسه‌ی عرفانی زبان قرآن*.

شیراز: دانشگاه شیراز.



**Raz Shirazi's *Asrar al-Velayeh*:  
A Religious and Mystical Epic**

**Reza Javan** (Corresponding Author)

BA Graduated of Persian Language and Literature in Shiraz University,

rezjavan88@gmail.com

**Katayoun Katibeh**

PhD of Persian Language and Literature in Tarbiat Modares University

**Samira Bakhtiarinasab**

PhD of Persian Language and Literature in Shiraz University

### Introduction

Among religious poems, the poems related to the life of Imam Ali and various aspects of his personality have a special place. On the one hand, his life, full of bravery and numerous wars, is a suitable tool for composing epic poems. On the other hand, Imam Ali's high spiritual states, dignities and virtues provide ample source for the creation of mystical poems. Raz Shirazi is one of those who composed a long poem in the form of masnavi about the life of Imam Ali. Mirza Abulqasem Hosseini Sharifi Dhahabi, known as Mirza Baba or the penname "Raz", is an outstanding sage and mystic of the 13th century and the 35th pole of the Dhahabi mystical order. He spent 20 years of his life in Shiraz studying various sciences and after that he started the mystical journey and learning esoteric sciences. There are fifty-two works left by Mirza Baba. One of the most important mystical foundations of his works is the idea of "Velayat".

### Review of Literature

The most important researches about Raz are Khavari (2019), Moradi (2018), Rezamanesh, Neyeri (2007, 2016, 2021) and Moradi and Neyeri (2012). In the field of mystical epics, these works can also be mentioned: Shamisa (2015), Qobadi, Kimanesh (2002), Mahmoudi and Adabi Firouzjaei (2017).

DOI: DOI: 10.22099/JBA.2024.46832.4362



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



Received: 2023-08-25

Accepted: 2024-02-27

This research tries to find answers to the following questions: What are the content and structural characteristics of *Asrar al-Velayah*? What are the stylistic features of this work? What are its manuscripts and lithographs? What is the relationship between this work and the literary genres of religious epic and mystical epic?

### Discussion

The probable date of the compilation of *Asrar al-Velayah* is the end of 1285 A.H. There are copies of this book in the library of the Ahmadi Monastery of Shiraz, Malik National Library, Central Library of Tehran University, Astan Library of Shah-Chirag and Astan Quds Razavi Library. The book has not been corrected or edited so far.

**Some linguistic and literary features of *Asrar al-Walayah*:** *Asrar al-Wilayah* is a narrative poem with an epic and mystical atmosphere, in the form of masnavi. This work is greatly under the influence of Rumi's *Masnavi* in its poetic and literary style. Most of the verses of *Asrar al-Wilayah* are devoid of imaginative poetic devices, but they have an intimate tone and a delicate language. The important stylistic features of *Asrar al-Wilayah* are the abundant use of verses and hadiths, the use of ancient Arabic words and theological and philosophical terms, the use of Arabic poems, the use of poems by other poets, frequently used Quranic elements and terms.

**The literary genre of *Asrar al-Welayeh*:** *Asrar al-Welayeh* has the characteristics of both religious epic and mystical epic. The content of this Masnavi can be divided into three general parts: first, expressing the discovery and inner intuitions of the poet and bringing verses and hadiths to explain it; second, the epic description of the life and battles of Imam Ali; third, a detailed description of hadiths about the idea of Welayat.

In these three parts, the epic narration of the life of Imam Ali can be seen along with the explanation and interpretation of the most detailed mystical concepts.

**The religious epic features of *Asrar al-Welayah*:** Most of the features of the religious epic are present in *Asrar al-Welayeh*. One of these features is the heroic presence of saints and prophets. This masnavi deals with the battles of Imam Ali in the middle part. Raz describes the battles from the Battle of Uhud to the end of the Battle of Nahrvan, sometimes with the most precise details and sometimes with a general overview. It is clear that in these battles, the hero is Imam Ali. By comparing his bravery with other companions of the prophet Mohammad, Raz

Shirazi emphasizes the heroic side of Imam Ali's personality and thus the narrative takes on an epic form.

Another feature is wonder works, in the form of narrating the virtues of Imam Ali. Raz explains the secret of these virtues by saying hadiths from the Prophet Mohammad or mentioning Qur'anic verses. These honors include the honors related to the battle of Khybar, the honor of Imam in breaking the water blockade by Muawiya, the description of eight miracles of Prophet Mohammad during his life, including the story of Radd al-Shams.

Another feature is the influence of Ferdowsi's *Shahnameh*. In this poem, this stylistic and linguistic imitation and influence is frequent and evident in war narratives, especially during single combats.

Historical sources are yet another feature, however without adhering to the text of history. Raz Shirazi has not refrained from any exaggeration in organizing many of these historical narratives, despite the authenticity of the story and narration, and in a few cases, he has narrated completely baseless stories.

**The epic and mystical features of *Asrar al-Welayeh*:** Mystical epic and religious epic have similarities; but specifically, there is a significant difference between the battle in the religious epic and the mystical epic. In the religious epic, the battle is external and in the mystical epic, the battle is internal. Therefore, in the religious epic, the battle of good and evil takes place between the hero, who is one of God's saints, and the anti-hero, who stands in the ranks of God's enemies. But in the mystical epic, the hero and the anti-hero are in conflict with each other within the main character or characters. With this description, *Asrar al-Welayeh* should be included among religious epics; however, the content and structure of this masnavi is such that its mystical aspects cannot be ignored.

### Conclusion

*Asrar al-Welayah* can be classified as a religious epic because of the centrality of Imam Ali and his religious heroism and describing his battles and mentioning some of his greatness. But in the beginning and final sections, the book deals with deep mystical topics and shows the mystical aspects of Imam Ali. Therefore, from the structural point of view, *Asrar al-Welayeh* consists of three parts: a religious epic part (with streaks of mystical elements) which is surrounded by two mystical parts. What makes the structure of this work coherent and the connection of its three parts possible is the concept of Welayah. By replacing the concept of a

superman or hero with the concept of Wali, Raz Shirazi has given two important features to *Asrar al-Welayeh*: first, he places this masnavi with a coherent structure on the border between religious epic and mystical epic; second, by relatively separating the mystical and epic topics from each other, he intelligently includes both the external and internal aspects of the Wali in the structure of the work and presents it to the audience.

**Key Words:** Shirazi's Raz, Asrar al-Velayah, religious epic, mystical epic, Velayat.

### References

- Khavari, A. (2019). *Dhahabiyeh: Scientific Sufism and literary works*. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Mahmoudi, K. & Adabi Firouzjai, H. (2017). The foundation of the mystical epic and its examples in *Masnavi*. *Persian literary texts*, 2(33), 133-152. [in Persian]
- Moradi, A. & Nayeri, M. Y. (2012). Welayat in the eyes of Raz Shirazi. *Bostan Adab Journal of Shiraz University*, 4(1), 222-197. [in Persian]
- Nayeri, M. Y. (2007). *Amir JaniAfrooz*. Shiraz: Daryaye Noor. [in Persian]
- Nayeri, M. Y. (2021). *The bride of the Holy Qur'an: An introduction to mystical Qur'anology and the mystical geometry of the Qur'anic Language*. Shiraz: Shiraz University Press. [in Persian]
- Nayeri, M. Y. (2016). *The narcissus of lover: A simple and fundamental analysis of the central foundations of Islamic mysticism*. Shiraz: Shiraz University Press. [in Persian]
- Qobadi, H. Ali. (2002). Mystic epic, one of the literary types in Persian literature. *Persian Language and Literature Research Quarterly*, 1, 1-20. [in Persian]
- Razshirazi, M. A. (2004). *Qa'am al-Anwar and Tala'a al-Asrar* (K. Mahmoudi, Ed.). Shiraz: Darya Noor. [in Persian]
- Shamisa, S. (2015). *Literary types*. Tehran: Mitra. [in Persian]